

کندز و بازی های پنهان

حفیظ الله ذکی

دیروز جنگجویان گروه طالبان با راه اندازی حملاتی بر شهر کندز موفق شدند که بخش‌های وسیع شهر را در تصرف خود درآورند. طالبان با ورود به شهر برخی ادارات دولتی و از جمله دفتر ریاست امنیت ملی را آتش زده و صدها زندانی را فراری داده اند. طالبان پرچم سفید رنگ خود را در چهارراه اصلی شهر برافراشته و قرائت قرآن را از بلندگوهای مسیاجد پخش کردند و سوار بر وسایط نقلیه پولیس در سرک‌ها و کوچه‌ها به گردش در آمدند. این اولین باری نیست که کندز مورد حمله طالبان قرار می‌گیرد، طی شش ماه گذشته این سویمین باراست که این ولایت در معرض تهدید چند مخالفان قرار گرفته است؛ اما این که چرا طالبان با حمله مستقیم بر شهر کندز به راحتی آن را تصرف کرده اند، پرسشی است که باید مسئولان امنیتی بدان پاسخ دهند.

کندز یکی از ولایت‌های ناامن کشور به شمار می‌رود. با آغاز حمله بهاری طالبان بارها در معرض تهدید و حمله قرار گرفته است. بدون شک این ولایت تحت تدابیر شدید امنیتی بوده و نیروهای بیشتر امنیتی برای محافظت از آن در کندز اعزام شده اند. از همه مهمتر قرارگاه ۲۰۹ شاهین در کندز مستقر می‌باشد که می‌تواند پشتوانه خوبی برای دفاع از شهر کندز به شمار آید. با این همه سؤالی این است که چرا یک ولایت در نیم روز سقوط می‌کند؟! این سؤال کوچکی نیست که امروز در سرمقاله روزنامه افغانستان توسط یک نویسنده گمنام مطرح شود و هیچ شخص و نهادهای خود را مسؤل پاسخگو به آن نداند. همچنان این سؤالی نیست که امروز پرسیده شود و فردا به فراموشی سپرده شود. این پرسش امروز و دیروز نیست. این پرسش تنها به کندز، غزنی، بدخشان، فاریاب، پکتیا و پکتیکا مربوط نمی‌شود؛ بلکه این پرسش، پرسش فردای افغانستان و پرسش تمام مردم افغانستان و در باره جغرافیا و سر زمین افغانستان است. درد و نگرانی کندز، درد و نگرانی مردم یک شهر و یک ولایت نیست که مدفعه ذهنی و ترس و وحشت عملی تمام مردم افغانستان است.

مقامات امنیتی برای توجیه شکست ششان این‌جمله را به استخبارات خارجی نسبت می‌دهند و بازپس گیری این ولایت را در آینده نزدیک وعده می‌دهند، یا برخی دیگر، ناکارایی والی ولایت را عامل تمام این نابسامانی‌ها می‌دانند؛ آیا به راستی چنین است؟

آیا با تبدیلی والی همه چیز تغییر خواهد کرد؟ بدون شک نه. البته نقش والی در رهبری و مدیریت درست ولایت و کنترل بحران قابل انکار نیست و دلیل بسیاری از نابسامانی‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در افغانستان به همین والی‌های ناشایست و ناکارا برمی‌گردد؛ اما با این وصف حادثه ای به حجم حادثه کندز را نمی‌توان تنها به غیبت و ناکارایی والی نسبت داد بیا به ارتباط دادن به استخبارات کشورهای خارجی بسنده کرد.

شش‌په رودباد کندز پیش از این در سایر مناطق و ولایات کشور نیز به وقوع پیوسته است. از اینرو بایستی برای جستجوی دلایل وقوع این رویدادها، نگاه فراگیرتر و جامع‌تر داشته باشیم و نباید آن را به نابسامانی‌های محلی محدود سازیم. وقتی در کلیت، حوادث این چنینی را به بررسی بگیریم، علاوه بر استخبارات کشورهای خارجی و جنگجویان گروه‌های تروریستی، جای پای عوامل داخلی این رویدادها نیز برجسته می‌شود. استخبارات خارجی نمی‌توانند به طور مستقیم چنین جریانانی را مدیریت کنند؛ آنها نیاز دارند تا عوامل داخلی را برای اجرای برنامه‌های شان در افغانستان به خدمت گیرند. حکومت و نهادهای امنیتی و کشنکی کشور باید در صدد شناسایی و محاکمه این عوامل در افغانستان باشند. آیا تا هنوز گامی در این راستا برداشته شده است؟ آیا کسی به جرم همکاری با دشمنان دستگیر و به محکمه فرستاده شده است؟ آیا امنیت ملی قدرت و توان شناسایی این اشخاص را ندارد؟ آیا حکومت از شناسایی و محاکمه این اشخاص ترس دارد؟ اگر چنین باشد، دیگر فاتحه حکومت را باید خواند و اگر چنین نیست، پس چرا پای حکومت فعلی و گذشته در این مورد می‌لرزد؟

وضعیت امنیتی در سراسر کشور وخیم است. در یک طرف، گروه طالبان با انگیزه بیشتر در برابر نیروهای امنیتی کشور می‌جنگند و در این اواخر به حملات خود نیز شدت بخشیده است. در طرف دیگر، گروه داعش در ۲۵ ولایت کشور فعالیت خود را آغاز نموده است و باعث ترس و هراس عمومی شهروندان کشور گردیده است. این دو گروه در وضعیت کنونی، بانی ناامنی در سراسر کشور است. با این حال، سیاست حکومت وحدت ملی در برابر این دو گروه مشخص و روشن نیست. حکومت وحدت ملی در اوائل تلاش نمود که با گروه طالبان از در مذاکره و گفتگو وارد شود و آن‌ها را وادار نماید از جنگ دست بکشد. اما با اعلان مرگ ملا عمر، رهبر گروه طالبان حکومت وحدت ملی در دو راهی قرار گرفته است. نه اراده جنگ با گروه طالبان را دارد و نه می‌تواند به گروه طالبان، پاکستان اعتماد نماید. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد حکومت وحدت ملی قزاقستان را به عنوان خطر جدی محسوب نمی‌کند. دو گروهی که بانی ناامنی در سراسر کشور است اما، در مقابل حکومت وحدت ملی یکی را خطر جدی محسوب نمی‌کند و در برابر دیگری قادر به اتخاذ تصمیم روشن و مشخص نیست. ادامه این وضعیت مشخص است که منجر کاهش کنترل قلمرو حاکمیت دولت مرکزی، جابجایی و کوچ دسته جمعی شهروندان، بی اعتماد شهروندان به حکومت، ویرانی زیر ساخت‌ها، کاهش سرمایه گذاری و ... می‌شود. با این حال، فرصت‌های وجود دارد که حکومت می‌تواند از آن فرصت‌ها استفاده نموده است دوباره وضعیت امنیتی را سامان دهد.

چندی پیش نیروی‌های امنیتی کشور دندغوری ولایت بگلان را به گروه طالبان واگذار نمود. نیروهای امنیتی استدلال کردند که واگذاری دندغوری به گروه طالبان عقب نشینی تاکتیکی بود. اول اینکه واگذاری این ولایتی عقب نشینی تاکتیکی نبود. زیرا، بعد از واگذاری تا هنوز هیچ اقدامی برای بازپس گیری آن منطقه صورت نگرفته است. دوم اینکه این عقب نشینی تاکتیکی هیچ سودی برای نیروهای امنیتی در بی نداشته است. زیرا، عقب نشینی تاکتیکی باید سودی در بی داشته باشد. بنابراین، مهمترین و اساسی ترین مسئله این است که حکومت و به خصوص نهاد های امنیتی کشور به استراتژی نظامی بها دهد. رفتار و عمل منهای استراتژی مشخص و تعریف شده و بدون تاکتیک‌های کارآمد نه تنها نتیجه‌ای خوبی در بی ندارد.

کندز هزینه عقب نشینی تاکتیکی نیروهای امنیتی است

علی قادری



ممکن خواهان کمک بیشتر گردد. ظرفیت دیگر استفاده از حمایت های مردمی در برابر گروه های دهشت افکن است. بر واضح است که گروه های مخالف مسلح دولت جوانان و اعضای فامیل خیلی از شهروندان کشور را کشته اند. مردم بدون شک، از حکومت در برابر گروه طالبان و داعش حمایت می‌کند. در صورتی که حکومت در بدل حمایت مردم بتواند از امنیت آن‌ها حفظ کند. اگر یک بسده و بسستان دو طرفه میان مردم و حکومت وجود داشته باشد، گروه های دهشت افکن هیچ گاه قادر به نفوذ از هیچ یک از ولسوالی‌ها و ولایت‌ها نخواهد بود. این بده بستان چیزی ساده است. حمایت از مردم در برابر جا ندادن مردم به گروه های تروریستی. با قاطعیت می‌توان گفت که این یکی از مهمترین و اساسی ترین ظرفیت‌ها فراروی حکومت وحدت ملی است. حکومت با استفاده از ابزار های تبلیغاتی و فرهنگی می‌تواند از این ظرفیت استفاده کرده و گروه های دهشت افکن را تضعیف سازد. اما در صورت کسه حکومت از مردم فاصله گیرد، مردم به خاطر امنیت خود بدون شک، به گروه های دهشت افکن پناه خواهد برد. در آن صورت، برای حکومت سخت خواهد بود تا دوباره مناطق از دست رفته را باز پس گیرد. هم جلب حمایت و اعتماد مردم دشوار خواهد بود و هم بازپس گیری مناطق از دست رفته. بنابراین، حکومت از هم اکنون باید این مهم را در نظر گرفته و در مورد آن اقدامات مشخص را روی دست بگیرد.

در پایان این مقال یک بار دیگر باید متذکر شود که یکی از مهمترین و اساسی ترین دلیل بالارفتن گراف ناامنی در کشور جدی گرفته نشدن گروه داعش از سوی حکومت وحدت ملی و فقدان سیاست مشخص در برابر گروه طالبان است. این دو گروه روزانه بر پایگاه های نیروهای امنیتی کشور حمله می‌کند اما، حکومت طالبان سود جوید. روز یکشنبه نیروهای امنیتی با حمایت نیروهای بین المللی در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار بر پایگاه های گروه داعش حمله کردند. حمایت نیروهای هوایی باعث شد که نیروهای امنیتی بتوانند گروه داعش را در این ولسوالی سرکوب نمایند. بنابراین، این ظرفیت وجود دارد که حکومت وحدت ملی هم برنامه خروج سربازان بین المللی را به تأخیر بیندازد و از آن‌ها در مبارزه با داعش و سرکوب گروه های مخالف مسلح دولت

عقب نشینی تاکتیکی در برابر گروه های چریکی و ضعیف مانند گروه طالبان معنی و مفهوم ندارد. عقب نشینی تاکتیکی یعنی از آن نشان قدرت باشد نشان ضعف است. این وجهه نیروهای امنیتی کشور را نیز خدشه دار می‌کند.

حضور داعش و فعالیت این گروه در ۲۵ ولایت کشور می‌تواند تغییری در استراتژی برنامه خروج های بین المللی افغانستان داشته باشد. ایالات متحده آمریکا تا هنوز چندین بار برنامه خروج نیروهای خود را تغییر داده است. اگر در قندوز بهای واگذاری دندغوری و دست گرفتن گروه طالبان در آن جا را می‌پردازد. بنابراین، از این پس نباید بدون استراتژی و تاکتیک های مشخص نظامی عمل نماید.

باور نگارنده بر این است که دندغوری اهمیت استراتژیک داشت. درگیری و جنگ شددید در کندز و از دست دادن بخش از پایگاه های نظامی در کندز به خاطر واگذاری دندغوری ولایت بگلان است. از این جهت، می‌توان گفت که نیروهای امنیتی کشور در قندوز بهای واگذاری دندغوری و دست گرفتن گروه طالبان در آن جا را می‌پردازد. بنابراین، از این پس نباید بدون استراتژی و تاکتیک های مشخص نظامی عمل نماید.

استرالیا، رهبری تازه و سیاست کهنه در قبال پناهجویان

حسین بهمن / قسمت دوم و پایانی



ایوت توانست که در مدت دوسال به یک مشکل که یک ونیم دهه استرالیا با آن دست در گریبان بود پایان دهد. ازسوی هم حمایت نخست وزیر جدید از پالیسی مهاجرت که ازسوی تونی ایوت عملی شده بود نشان میدهد که این پالیسی همچنین ادامه خواهد داشت وحکومات بعدی استرالیا نیز تغییری درین خصوص بوجود نخواهد آورد. پیش ازین حزب کار گر استرالیا که رفیق حزب لیبرال این کشور است نیز از پالیسی تونی ایوت در قبال پناهجویان غیرقانونی حمایت کرده بود. این مسئله نشان میدهد که اگر در انتخابات بعدی حزب کارگرم برنده شود پالیسی مهاجرتی استرالیا تغییر نخواهد کرد. طی یک ونیم دهه گذشته دستکم پانزده صد پناهجو که عمدتاً افغانی بودند در جریان مهاجرتهای غیرقانونی در مسیر استرالیا جانهایشانرا از دست داده اند. تداوم مرگ وسوء پناهجویان در ابهای استرالیا و سوء استفاده قاچاقبران انسان از اسبب پذیریهای پناهجویان حکومت استرالیا را ناگزیر کرد که پالیسی خود را در قبال پناهجویان روز بروز سخت سازد. این کشور مدعی است که مهاجرتی که خواهان پناهنده می‌گردد در استرالیا هستند نمیتوانند که از راه های قانونی اقدام کنند. به همین خاطر حکومت استرالیا سالانه حدود سیزده هزار پناهجو را که از راه های قانونی در خواست پناهنده می‌کرده باشند می‌بیزرد.

پیتر داتن وزیر مهاجرت وسرحدات استرالیا: ما همچنین متعهد هستیم تا پالیسی سختگیرانه خود را در قبال پناهجویان تطبیق کنیم تا دیگر وشایعات براه افتاده بود که گویا حکومت استرالیا با رفتن تونی ایوت از قدرت در پالیسی مهاجرت خود تغییر خواهد آورد اما روز چهارشنبه هفته گذشته مالکوم ترنبول نخست وزیر استرالیا اعلام کرد که سیاست کشور در قبال پناهجویان غیرقانونی تغییر نخواهد و پالیسی که از سوی تونی ایوت طرح و عملی شده بود همچنان ادامه خواهد یافت. ازسویی هم پیتر داتن وزیر مهاجرت وسرحدات استرالیا که در زمان تونی ایوت در سمت کار میکرد تاریخ ۲۵ سپتامبر رسماً اعلام کرد که با تغییر رهبری، پالیسی مهاجرت این کشور تغییر نخواهد کرد و سیاست سختگیرانه علیه قاچاقبران انسان همچنان ادامه خواهد داشت. پیتر داتن گفت هرکشتی حامل پناهجویان که تلاش کند به صورت غیرقانونی وارد ابهای استرالیا شود متوقف و دوباره به همان کشوری فرستاده شود. وزیر مهاجرت وسرحدات استرالیا گفت که نخست وزیر جدید با قاچاقبران انسان مدارا نخواهد کرد وسیاست این کشور در قبال پناهجویان غیرقانونی نیز تغییر نمیکند زیرا این پالیسی برای حفظ جان پناهجویان و جلوگیری از قاچاق انسان روی دست گرفته شده است.

با ۲۴۹ پناهجوی غیرقانونی در مرزهای ابی استرالیا متوقف و دوباره به کشوری برگردانده شده است که از آن جا وارد استرالیا شده بود. در سال ۲۰۱۴ میلادی تنها یک کشتی با مهاجرین غیرقانونی موفق شده است که به استرالیا برسد که تمامی سرنشینان آن به کمپ نارو منتقل شده اند. حکومت استرالیا اکنون میگوید که با اجرا نمودن این برنامه‌ها به اهداف اساسی خود که توقف روند پناهجویی و جلوگیری از مرگ وسیمیر پناهجویان در ابهای استرالیا بود دست یافته است. تونی ایوت در عرصه مبارزه با سرفرای غیرقانونی به استرالیا فوق العاده خوب عمل نمود. مهاجرتی غیرقانونی که یک ونیم دهه گذشته به یک درد سر جدی برای استرالیا تبدیل شده بود در زمان حکومت تونی ایوت به کلی حل شد و اکنون دیگر در مسیر استرالیا جان هیچ پناهجویی گرفته نمیشود. تونی ایوت در آخرین روزهای حکومتش به کمک پناهجویان سوری وعراقی شتاف و به هزاران پناهجوی سوری وعراقی اجازه ورود به خاک استرالیا را داد. تونی ایوت گفت که بسا توجه به وضعیت بحرانی پناهجویان سوری وعراقی که به دلیل جنگ وخشونت کشورهایی را ترک کرده وبه کشورهای ترکیه،اردون و لبنان گریخته اند کمک میکنند تا به استرالیا وارد شوند. افای ایوت در ضمن هشدار داد که تصمیم وی به معنی تغییر در پالیسی مهاجرت این کشور نبوده بلکه مرزهای

کارتون روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مستولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسؤل وب سایت: مهدی صالحی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۴۳

